

مهران زارعیان

خیرنگار

ابتدای دهه پنجاه میلادی در نیوجرسی، پسرک با آن چشمان درشت‌ایی، در کنار پدر و مادرش ایستاده و در شرف تماشای نخستین فیلم عمرش در سینما، با اضطراب از پدر و مادرش درباره چگونگی این تجربه سوال می‌پرسد.

نیمه دهه شصت میلادی در لس آنجلس، پسرک که حالا جوانی خوش قریحه شده، با همان چشم‌های زیبا، در انتظار دیدار با پادشاه زائر وسترن، به پوست‌های رنگارنگ شاهکارهای جان فورد که بر دیوار دفتر این مرد افسانه‌ای تاریخ سینمای جهان نقش بسته می‌نگرد و اضطرابی خوشایند دارد.

پسرکی که وصف کرده، استیون اسپیلبرگ معروف است و این دو مقطع از زندگی او، آغاز و پایان درخشان فیلم انیویرگافیکال «خانواده فیلمن» را تشکیل داده است. فیلمی به کارگردانی همین پسرک خندان که البته این روزها دهه هفتاد زندگی‌اش دیگر دارد به پایان می‌برد.

«خانواده فیلمن» یک فیلم شیرین و پرانرژی است، با آن لحن سرخوشانه و بانمکی که از اسپیلبرگ انتظار داریم، این فیلم در کارنامه اسپیلبرگ جایگاه خاصی پیدا می‌کند چراکه یک شخصی‌ترین تجربه سینمایی او محسوب می‌شود. روایتی از کودکی و نوجوانی آقای فیلمساز که هم روند عاشق سینما شدنش را مقابل دیدگان ما می‌گذارد و هم راه‌های خانوادگی‌اش را افشا می‌کند. روایتی که قرار است نسبت میان سینما و خانواده را در زندگی او پاکوی کند. شاید انتخاب نام خانوادگی مستعار «فیلمن» به جای «اسپیلبرگ» نیز به همین دلیل بوده که رابطه خانواده اسپیلبرگ با سینما را بارزتر کند. (فیلمن در انگلیسی تقریباً به معنای گوسفست).

اقتضای دیگر شاید بتوان اسمش را موح گذاشت. موحی از فیلم‌های انیویرگافیکال با محوریت نوستالژی‌های دوران کودکی یا جوانی فیلمسازان، به گمانم از «روما» آلفونسو کوارون شروع شد و پارسال با فیلم‌های همی مثل بهلباست، کنت برتانا، «دست‌خدا» پائولو سورنتینو و جبه‌هایی «لیگوریش پتزار» پو توماس اندرسون، به اوج رسید. «خانواده فیلمن» اسپیلبرگ نیز در همین راستا قابل باخونی است. در بین این فیلم‌ها، «دست‌خدا» و بهلباست، به‌ خاطر تأکید یک روی سینما دارند، بسیاری به «خانواده فیلمن» شبیه هستند. فیلم‌هایی که همگی از الگویی مشابه با فیلم محبوب «سینما پارادیزو» پیروی می‌کنند. مثلی از البته این الگوی یکسان نشان دهنده شباهت کودکی این فیلمسازان هم هست که همگی علم رشد و نمو در موهل‌های مختلف و شرایط خانوادگی متفاوت، حال و هوای مشابه و مایه‌های عاطفی کموبیش یکسانی در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند.

از همان فصل ابتدایی فیلم اسپیلبرگ، فرهی تجربه فیلم دیدن و تأثیرپذیری او از سینما به خوبی نمایان است. پسرکی که با چشمانی لرزان، برخورد قطار را انیوویل در فیلم «دیرترین نمایش روی زمین» را نگاه می‌کند و او فرط بدیع بودن این تجربه که خیلی واقعی به نظرش می‌رسد، شب از ترس خوابش نمی‌برد.

اسپیلبرگ در بازمانی‌ای تیرس و این عهد بودن تجربه فیلم دیدن در دوران کودکی خودش، چنان هوشمندانه عمل می‌کند که احتمالاً هرکسی را به یاد تجربیات مشابه در کودکی می‌اندازد. مثلاً خود من به یاد دارم که دیدن بعضی سریال‌های ماه رمضان صداوسیما دقیقاً همین تأثیر در ترس را برانم ایجاد می‌کرد که شب به سختی نتوانم بخوابم.

جملات مادر اسپیلبرگ جوان را یاد بیاوریم: «فیلم‌ها رو با هستند، رویایی که هرگز فراموش نمی‌کنی». همان سکاسن ابتدای فیلم به نوعی آینده اسپیلبرگ را به شکل استعاری بازگو می‌کند. پدر با زبان علمی، فرآیند پخش شدن فیلم را توضیح می‌دهد و توضیحی مکانیکی دارد. مادر اما با زبان عامه‌فهم، حسی که فیلم دیدن

گزارش

نامزدهای نودونهمین دوره جوایز سینمایی اسکار در شاخه‌های مختلف اعلام شدند که فیلم **همه چیز همه جا به یکباره** به یکباره، با نامزدی در ۱۱ شاخه پیشتاز این رویداد نام گرفت و در ویش خنثی فیلمسردار ایرانی ـ فرانسوی شد. برای فیلم **باردو، نامزد جایزه بهترین فیلمبرداری** هم «ریز احمد» و «الیسون ویلیامز» بازیگران هالیوودی، نامزدهای یابایی نودونهمین دوره جوایز سالانه آکادمی اسکار را طی مراسمی اعلام کردند.

همه چیز همه جا به یکباره با نامزدی در ۱۱ شاخه به بیشترین تعداد نامزدی را دریافت کرد و پس از آن دو فیلم در «جبهه غرب خبری نیست» و «بنشی‌های اینیشیون» هر کدام ۹ نامزدی دریافت کردند.

فهر ست کامل نامزدهای اسکار ۲۰۲۳

از این قرار است:

بهترین کارگردانی

تاد فیلدز (ار)

دنیل کولون و دنیل شاریت (همه چیز همه جا به یکباره)

مارتین مک‌دونالدهای اینیشیون

روبن اوسلوند (مثلث)

استیون اسپیلبرگ (فیلمن‌ها)

فرهنگ

نقد فیلم فیلمنز

قصه‌قصه‌گوی قصه‌ها



دوران استیون اسپیلبرگ

استیون اسپیلبرگ در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۶ در شهر سینمیتای در ایالت اوهایو ایالات متحده آمریکا به دنیا آمد. مادرش که نواختن پیانو را رایباز تحصیلات سینمایی‌اش را در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا ادامه داد. او که پدرش به عنوان مهندس سرت یک باک شرکت توسعه دهنده فناوری‌های کامپیوتری کار می‌کرد. او در خانواده‌ای یهودی بزرگ شد که ازجمله به خاطر تأکید یک روی سینما دارند، بسیاری به «خانواده فیلمن» شبیه هستند. فیلم‌هایی که همگی از الگویی مشابه با فیلم محبوب «سینما پارادیزو» پیروی می‌کنند. مثلی از استیون اسپیلبرگ در بازمانی‌ای تیرس و این عهد بودن تجربه فیلم دیدن در دوران کودکی خودش، چنان هوشمندانه عمل می‌کند که احتمالاً هرکسی را به یاد تجربیات مشابه در کودکی می‌اندازد. مثلاً خود من به یاد دارم که دیدن بعضی سریال‌های ماه رمضان صداوسیما دقیقاً همین تأثیر در ترس را برانم ایجاد می‌کرد که شب به سختی نتوانم بخوابم.

جملات مادر اسپیلبرگ جوان را یاد بیاوریم: «فیلم‌ها رو با هستند، رویایی که هرگز فراموش نمی‌کنی». همان سکاسن ابتدای فیلم به نوعی آینده اسپیلبرگ را به شکل استعاری بازگو می‌کند. پدر با زبان علمی، فرآیند پخش شدن فیلم را توضیح می‌دهد و توضیحی مکانیکی دارد. مادر اما با زبان عامه‌فهم، حسی که فیلم دیدن

استیون اسپیلبرگ (فیلمن‌ها)

دنیل کولون و دنیل شاریت (همه چیز همه جا به یکباره)

مارتین مک‌دونالدهای اینیشیون

روبن اوسلوند (مثلث)

استیون اسپیلبرگ (فیلمن‌ها)

چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۴۰ شماره ۳۷۹۴

۱۲

فرهنگ

برای مادر، حقیقت تلوم با تلخی و ترس را برای او منعکس می‌کند و شاید همین امر است که سنگ بنای انتخاب پایانی مادر وجدایی او از پدر اسپیلبرگ را می‌گذارد. رابطه خانواده و سینما حتی در خرده داستان کوتاه‌های در میانه فیلم نیز خودش را نشان می‌دهد. جایی که اسپیلبرگ جوان، ناراضی از مصنوعی بودن شلیک اسلحه در فیلم مبتدیان‌ه که ساخته، از سوراخ شدن کاغذ تپ‌های پیاپی مادر الهام می‌گیرد تا نوعی تروکار خلاقانه برای واقعی شدن شلیک‌ها طراحی کند.

به‌طور کلی اسپیلبرگ موفق می‌شود روایت سرگرم کننده‌ای از قصه کودکی و نوجوانی خودش بازگو کند و آن دو محور درام که گذرش رفت را در حدی که بیکره فیلم جذاب بماند، به هم ربط دهد و پیگیری کند. اما یک ضعف قابل ملاحظه در کار وجود دارد که مانع می‌شود نتیجه نهایی به فیلمی ممتاز و درجه یک تبدیل شود؛ اینکه خطوط تماتیک فیلمنامه کمی نشست دارد و به معافیم و دفعه‌های گوناگون ناخنک می‌زند بی آنکه بتواند به خوبی از پس همه بربیاید.

مشابه یک ایده جذاب را در اواخر فیلم، جایی است که اسپیلبرگ جوان علی‌رغم نترسی که نسبت به لوگان دارد، برای جلب نظر او، در فیلم فارغ التحصیلی دبیرستان شمایلی قهرمان گونه به این پسر نژادپرست و قلندر می‌دهد. این حال، لوگان دچار احساسی تلوم با شرمندگی و سرافکنده‌گی می‌شود و برداشت نامطلوبی نسبت به فیلم اسپیلبرگ جوان پیدا می‌کند. در بحثی

که بین او و لوگان می‌شود، ما اشاراتی به تئوری «مرگ مولف» و تفسیرپذیر بودن اثر هنری مستقل از نیت سازنده می‌بینیم که خیلی هم تفکر بارنگیز و جذاب از آب درآمده، اما چون فقط در همین یک صحنه به آن پرداخته شده و در کلیت فیلم، جایگاه گذرایی دارد، نمی‌گذارد که این دفعه‌ها تماتیک به قدر کلیات جا بفتد و عمیق به نظر برسد.

یک لحظه جالب دیگر، زمانی است که اسپیلبرگ جوان فیلم‌هایش را برای دیگران نمایش می‌دهد و در حالی که هم خیلی مسحور شده‌اند یا به چشمان درپای‌شان تحت تأثیر فیلم قرار گرفته‌اند، خود او مشغولی و تک‌فکاده شده و در لاک خود فروفته است. این حس را هم در نمایش فیلم فارغ التحصیلی دبیرستان داریم، هم در نمایش فیلم جنگی ستایش بارنگیز او (احتمالاً خودراجی او ادای دینی هم به نجات سرباز رایان از زمین فیلمساز است) و هم در نمایش فیلم خانوادگی یک‌پنیک. شاید

بسیاری از فیلمسازان خودآگاه یا ناخودآگاه این تجربه را داشته‌اند که موقع نمایش فیلم خودشان، نمی‌توانند به اندازه تماشاگران از آن لذت ببرند. باین حال این ایده نیز بدون تأکید پیاده شده و شاید بسیاری از مخاطبان اصلا ادراکش نکرده باشند.

یک نمونه دیگر از این عدم تأکید‌ها که به نظرم پایان درخشان و ناب فیلم که اثر کم‌تر از استحقاقش کرده، حضور جان فورد در آن است. از جایی که قرار است از دیدار یک نهمیه اسپیلبرگ جوان با این غول سینمای وسترن ذوق‌درد شود، یک فیتم به خاطر بازی افتخاری دیوید لینچ دوست داشتنی در نقش جان فورد این هدف قطعی و حتمی و تماماً محقق می‌شود) جا بیفتد که در طول فیلم، روح جان فورد بیش از این حضور پیدا می‌کرد و ادای دین به او را تماماً می‌دیدیم. در حال حاضر انتظار و ذوق‌درد اسپیلبرگ جوان هنگام دیدار با جان فورد، مطابق چیزی که ساختار کلاسیک «همه چیز معطوف به پایان بندی» ایجاب می‌کند، طراحی نشده و این پایان حس جداافتادگی و نوعی از اضافی بودن از نسبت به کلیت روند فیلم به ما منتقل می‌کند که حق مطلب را ادا نکرده، گرچه ذات این ایده، حجت را بر هر سینما دوستی تمام می‌کند.

«خانواده فیلمن» چه در فیلمنامه و چه در اجرا، به خاطر ذوق و هنر خودمچیز بزند و درامش را پرورش دهد. متعنی و بانمکی عیان است. تسلط به وجه فنی، تکنیکال و سرکش را با مادر در میان بگذارد، این ابزار سینماست که به شنیدنی یا شوخی‌های بازمه و اسپیلبرگی، مطمئنم که چهره ترسان از برخورد قطار را با فیلم گرفتن و نمایش درون کمک پاری می‌دهد، این دفعه پسر که بزرگ شده، با نمایش فیلم می‌شود: خندان و شاداب.

چهارشنبه ۵ بهمن ۱۳۴۰ شماره ۳۷۹۴

۱۳

تئاتر فجر همچنان زنده‌است



فیله‌آر است با شهردار کارا رسما شروع کنیم فقط هماهنگی های اجرایی مانده،توافقنامه ایجادشده و دودی خیرمت تاتر شهر برقرار می‌شود. امیدوارم شهرداری زودتر این کار را انجام دهد.

که صدام حسین بر سر مردم می‌ریخته را خشتی می‌کرده است. این مورد بزرگ در سال ۱۳۶۵ بر اثر انفجار شهید می‌شود. در این نمایش زست شهید را زان انقلاب دفاع مقدس بررسی می‌کنیم.نمایش آهوان در هفتمین جشنواره تئاتر ملی ایثار هم برگزیده شد.»

نمایش «صنم» به نویسندگی بهنام دوستی و کارگردانی امیراسان مهدوی در آواز تئاتر تماشاخانه سنگلج اجرا شد. این نمایش نیز در جشنواره تئاتر منطقه‌ای فجر که در استان فارس و شهر شیراز برگزار شد،خوش درخشیده‌است. اکنون یکی از شانس های جوایز جشنواره نیز هست، «صنم» روایت زوج پزشکی است که در دوران کرونا در مناطق روستایی (در این نمایش چهارداگه) مشغول خدمت هستند که به دلیل عدم رعایت مسائل بهداشتی،همسر به کرونا مبتلا شده و جان خود را در دست می‌دهد.

پس از این تراژدی دردناک،نر دچار چنین شده و بهیاسرنامت و مرکز تکرنگداری منتقل می‌شود و در این مرکز باقی نمایش ادامه خواهد داشت. تماشاخانه اپراتر شهر نیز که پس از واگذاری به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران تعطیل شده بود، هیچ فعالیتی نداشت. همزمان با جشنواره تئاتر فجر جانی گرفت و دوباره به واسطه این دوره از جشنواره میربان نمایش های دهی می‌خوایم خوانونی به بینم. به نویسندگی محمود خرم زادی و کارگردانی رضا بهنامی از تهران و نمایش «که» با نویسندگی و کارگردانی بهمن علاءنقدان از تهران شده،امیداست که کارگردانی ادامه دار باشد و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران هم چون دیگر مراکز تئاتری که در سطح شهر تهران در اختیار دارند این سال هم فعالیت رایه تعطیلی کامل نکنند.با هم چون پردیس اختار خوان همیه تئاتری ها را تبدیل به استودیو تپویتی و فیلسازی برای آزمایشی در آونامیشت بستر نمید.

درخشش تئاتر خیابانی که هوادار هچان اکثریتیرین گونه های تئاتری به حساب می‌آید، اثری برای عموم اجرا شد، هرچند انتظار می‌رفت در این دوره دوباره ویسنتی از مخاطبان سطح استان تهران از تماشا ای بازی بازیگران شیرازی متشابه هچون دوره ای قبل اجراهای محدودی برای گروه های خیابانی تمامی اراهای را یک مخاطب یا خبرنگار نیست و این یکی از نقطه ضعف های مهم جشنواره است، در این بخش شش اثر نمایشی در پهنه روی و یک اثر نمایشی در لیوان انتظار متریو حضرت ولیعصر (عج) اجرا شد.

وزیر ارشاد در میان تئاتری‌ها

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در روز دوم جشنواره به دیدن یک نمایش رفت و در جمع خبرنگاران اظهاراتی داشت، ازجمله صحبت نمودم عدم تخصصی بودن تئاتر فجر گفت: «تلاش کرده‌ام چیزی که دیدبان محترم جشنواره

بهی در رابطه با قصه این نمایش می‌گوید: داستان در مورد درگیری دو فرقه است که قبل از پیروزی انقلاب از هم جدا می‌شوند و یکی از آنها عضو جوان هنگام دیدار با جان فورد، مطابق چیزی که ساختار کلاسیک «همه چیز معطوف به پایان بندی» ایجاب می‌کند، طراحی نشده و این پایان حس جداافتادگی و نوعی از اضافی بودن از نسبت به کلیت روند فیلم به ما منتقل می‌کند که حق مطلب را ادا نکرده، گرچه ذات این ایده، حجت را بر هر سینما دوستی تمام می‌کند.

«خانواده فیلمن» چه در فیلمنامه و چه در اجرا، به خاطر ذوق و هنر خودمچیز بزند و درامش را پرورش دهد. متعنی و بانمکی عیان است. تسلط به وجه فنی، تکنیکال و سرکش را با مادر در میان بگذارد، این ابزار سینماست که به شنیدنی یا شوخی‌های بازمه و اسپیلبرگی، مطمئنم که چهره ترسان از برخورد قطار را با فیلم گرفتن و نمایش درون کمک پاری می‌دهد، این دفعه پسر که بزرگ شده، با نمایش فیلم می‌شود: خندان و شاداب.

استیون اسپیلبرگ (فیلمن‌ها)

دنیل کولون و دنیل شاریت (همه چیز همه جا به یکباره)

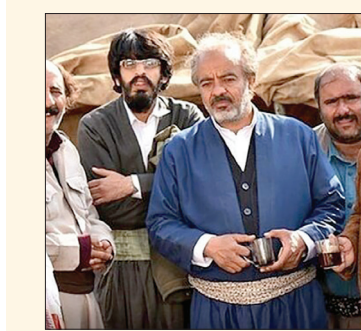
مارتین مک‌دونالدهای اینیشیون

روبن اوسلوند (مثلث)

استیون اسپیلبرگ (فیلمن‌ها)

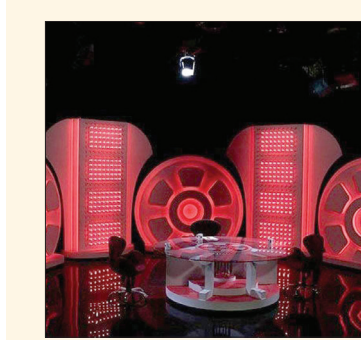
چارسو

«نون خ» به نوروز ۱۴۰۲ می‌رسد



تصویربرداری سریال طنز نون‌خ، این روزها در تهران ادامه دارد؛ مجموعه‌ای که حالا به فصل چهارم خود رسیده است و از گزین‌های اصلی پخش نوروزی است. سریال نون‌خ، به کارگردانی سعید آقاخانی از مجموعه‌های طنز در سال‌های اخیر است که ساخت آن تا فصل چهارم ادامه پیدا کرده است. ساخت این سریال این روزها در تهران ادامه دارد و بازیگرانی جمله حسن معجونی، سعید آقاخانی و حمیدرضا آذرنگ در کنار بازیگران فاضل گذشته به ایفای نقشی می‌پردازند. این مجموعه طنز یکی از گزین‌های قطعی برای پخش در نوروز ۱۴۰۲ است و احتمالاً در ۱۵ قسمت روی آنتن می‌رود. داستان سریال نون‌خ از ا فصل اول تا سوم درباره زندگی نورالدین خازنده‌ای‌باری (سعید آقاخانی) است که در استان کرمانشاه زندگی می‌کند و اتفاقی که برای خانواده و دخترهای و همچنین اهالی روستا رخ می‌دهد، مسیر قصه را تعیین می‌کند. در این سریال بازیگران دیگری همچون علی صادقی، هادی بهزاد، علی صالحی، میرطاهر منظمی، کاظم نوربخش، نسرتین مرادی، صبا شرافتی، فریده سپاسمنصور، حمیدرضا آذرنگ و... به ایفای نقش پرداخته‌اند و حسن معجونی چندین بازیگرانی است که در فصل چهارم به جمع بازیگران پیوسته‌است. فصل چهارم سریال نون‌خ، این ادامه منطقه تهران خواهد بود و مرحله تصویربرداری شد. این سریال در سه فصل در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ از شبکه یک سیما به‌رو آنتی رفت.

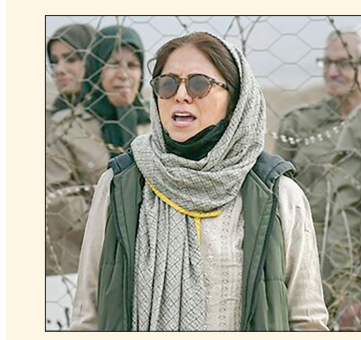
جزئیات برنامه سینمایی هفت برای جشنواره



برنامه سینمایی «هفت» با اجرای بهروز افخمی از دوازدهم بهمن‌ماه تا پایان جشنواره به‌صورت زنده از شبکه نمایش پخش خواهد شد. محمد تکنایی تهیه‌کننده برنامه سینمایی «هفت» درباره محتوای این برنامه گفت: «در بخش دوم که بخش اصلی برنامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است. در نیمه اول برنامه شاهد میرزهای موضوعی مبتلا به صنعت تصویر ایرانی هستیم و در نیمه‌عومی‌عانی چون «از تراهی مغول» و «ام‌لی و هویت ایرانی»، «آتاباس و آبدیات» و... پرداخته می‌شود. به هفتمی و دو فصل جداگانه...

«هفت» قرار است کمی فراتر از مسائل صنفی سینمای ایران، به‌طور عمده مسیر پیش‌روی صنعت تصویر ایرانی را دستخطی می‌کند، پرداخته شود. این قسمت با محور کارشماران مرتبط و مربوطه تدارک دیده شده است. تهیه‌کننده «هفت» ادامه داد: «در بخش دوم که بخش اصلی برنامه است، میر تقی‌آثار حاضر در جشنواره چهل و یکم را خواهیم داشت که با موضوع متناقض بحث‌برانگیز خواهد شد. برنامه «هفت» در ایام برگزاری جشنواره فیلم فجر از هنرمندان، منتقدان و مسئولان فرهنگی و هنری در حوزه سینما، برای گفت‌وگو، نقد، تحلیل و بررسی فیلم و سینما دعوت می‌کند. «برنامه «هفت» با اجرای بهروز افخمی از دوازدهم بهمن‌ماه تا پایان جشنواره هر شب ساعت ۲۳ به مدت ۱۲ دقیقه به‌صورت زنده از شبکه نمایش پخش خواهد شد.

«اوج با «سرهنگ تریا» در راه جشنواره



فیلم سینمایی «سرهنگ تریا» به نویسندگی و کارگردانی ایللی جانی‌تپه‌کنندگی جلیل نعمانی پس از طی مراحل فنی در حضور در جشنواره فیلم جشنواره فیلم فجر آزاد نمایش شد. «سرهنگ تریا» تا دیرترین محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که از روزهایی متفاوت به‌طور سازمان‌یافته‌میدان تمامی اراهای را یک مخاطب یا خبرنگار نیست و این یکی از نقطه ضعف های مهم جشنواره است، در این بخش شش اثر نمایشی در پهنه روی و یک اثر نمایشی در لیوان انتظار متریو حضرت ولیعصر (عج) اجرا شد.

درخشش تئاتر خیابانی که هوادار هچان اکثریتیرین گونه های تئاتری به حساب می‌آید، اثری برای عموم اجرا شد، هرچند انتظار می‌رفت در این دوره دوباره ویسنتی از مخاطبان سطح استان تهران از تماشا ای بازی بازیگران شیرازی متشابه هچون دوره ای قبل اجراهای محدودی برای گروه های خیابانی تمامی اراهای را یک مخاطب یا خبرنگار نیست و این یکی از نقطه ضعف های مهم جشنواره است، در این بخش شش اثر نمایشی در پهنه روی و یک اثر نمایشی در لیوان انتظار متریو حضرت ولیعصر (عج) اجرا شد.

در برنامه‌ریزی چنین جشنواره بین‌المللی با ایده‌سالمه تفرایک کلانشهر تهران آن هم در ساعات از تفرایک در نظر گرفته شد.

تاریخ این جوایز سینمایی ایجاد کرد و توانست به نخستین بازیگر اسکار تبدیل شود که در شاخه بهترین بازیگر زن جوایز اسکار نامزد کسب جایزه می‌شود. او برای فیلم همه چیز همه جا به یکباره نامزد کسب جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی زن اسکار ۲۰۲۳ شده است.فیلمی که ۱۱ نامزدی بیشترین تعداد نامزدی را در شاخه اختصاص داده است. «میشل یونوج کینگ» که هنریشه سال‌هایی است که در دهه ۱۹۹۰ در فیلم‌های اکشن جنگ کشورش به‌شهرت رسید،سپیدوست بازی نقش هاش در فیلم برد جلیزه اسکار «بیز خزان، ازخواب بپزای» ساخته آنگ لی، در سال ۲۰۰۰ شناخته شده است. او اسمال بازی برای در فیلم همه چیز همه جا به یکباره نامزد جایزه گلبن نیز شده بود. شاخه بهترین بازیگر نقش اصلی زن اسکار از نظر تاریخی یکی از سفیدترین اسکار است و دهی برای، برای فیلم «همیانی هیولا» حدود ۱۰ سال پیش، تهران رخ سفیدوست بهترین بازیگر اسکار بهترین بازیگر نقش اصلی زن محسوب شد. تاکنون ۱۲ زن سیاه‌پوست نامزد بهترین بازیگر زن شده‌اند. باوجوداین، آکادمی اسکار که در دوسال گذشته در مراسم خود،نهمین دوره جوایز سینمایی اسکار روز ۱۲ مارس ۲۰۲۳ (۱۲ اسفند) در تئاتر الیبی در هالیوود برگزار شد، از این شاخه شایسته حضور دربی‌معرفی نامزدهای اسکار، «میشل یونوج» به نخستین بازیگر آسیایی پرسن نامزد بود، اما جوایز اسکار تبدیل شد که در شاخه بهترین بازیگر نقش اصلی زن نامزد دریافت جایزه می‌شود. فهرست نامزدهای نودونهمین دوره اسکار در جالی اعلام شد که نامزدی به‌تئوتیرین بزرگ نامزدی بازیگر اسکار ۲۰۲۳ را داشتند.					
الویس تاب گان: ماوریک					
بهترین مستند کوتاه	بهترین فیلم کوتاه	بهترین فیلم بلند	بهترین طراحی لباس	بهترین فیلمبرداری	بهترین انیمیشن بلند
نچوگران فیل	لیلیاوات	چلوپروکسال اندازه گیری می‌کنید؟	پلنگ سیاه: واکاندا برای همیشه	در جبهه غرب خبری نیست	پینوکیو گایرمول نورو
بلیش	همه چیز همه جا به یکباره	اثر مارتا میچل	الویس	یادو	ماربل صدق کشتی به پا
فیلملها	فیلملها	غریبه در دزوا	خانم هریس و پاریس می‌رود	اوپرا تورتی ۹۹	گره بکش: پوش: آخرین آرزو
				تار	جانور دریا
بهترین فیلم کوتاه	بهترین فیلم بلند	بهترین طراحی تولید	بهترین چهره پردازی	بهترین انیمیشن بلند	بهترین انیمیشن بلند
حداقل فاکتور لندنی	ایوالو	آوتار: راه آب	در جبهه غرب خبری نیست	آوتار: راه آب	آوتار: راه آب
ایوالو	بلیش	سوار شوان	بلیش	پلنگ سیاه: واکاندا برای همیشه	پلنگ سیاه: واکاندا برای همیشه
چمدان قرمز	چمدان قرمز			الویس	الویس
				وال	وال
بهترین انیمیشن کوتاه	بهترین انیمیشن بلند	بهترین صدا پردازی	بهترین تدوین	بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان	بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان
سپس: موش کوربوا و اسب	مولان پرند	مولان پرند	بنشی‌های اینیشیون	بنشی‌های اینیشیون	بنشی‌های اینیشیون
سال دیکنس	سال دیکنس				